

شناسایی خرده‌فرهنگ‌های حاکم در سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهرک باهنر

مشهد

سجاد رازقی^۱، براتعلی خاکپور^۲، سیدحسین حسینی^۳

چکیده

مهمترین هدف این پژوهش، شناسایی خرده‌فرهنگ‌های حاکم، اولویت‌بندی آنها با توجه به تأثیرگذاری بر منطقه و تحلیل نقش کیفی هریک از شاخص‌ها بر وضعیت اجتماعی شهرک باهنر مشهد با استفاده از تحلیل مصاحبه در نرم‌افزار تحلیل متن مکس کیودا و نرم‌افزار آماری SPSS است. روش به کار گرفته شده، ترکیبی موازنه است که در آن برداشت اطلاعات به روش کیفی (مصاحبه نیمه‌ساختار یافته، متن‌کاوی) و تحلیل آنان براساس روش‌های کمی (پرسشنامه) به دست آمده است. روش نمونه‌گیری به شکل کیفی - هدفمند و با استفاده از نظرات کارشناسی ۱۳ نفر از خبرگان اجرایی و علمی نهادهای مرتبط با شهرک باهنر که سابقه فعالیت یا کار پژوهشی داشته‌اند جمع‌آوری و تنظیم شده است و داده‌های کیفی به دست آمده وارد نرم‌افزار مکس کیودا می‌شود، تا بنا به محتوای متن به دست آمده؛ کدگذاری و طبقه‌بندی شوند، پس از این مرحله، محتوا در قالب مؤلفه‌های اصلی، فرعی و شاخص‌ها استخراج می‌شود. برای روایی کار و استناد به مصاحبه‌های انجام شده، از آزمون توافق کوهن استفاده شده است. ضریب به دست

۱- دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

sajadrazeghi.sr@mail.um.ac.ir

khakpoor@um.ac.ir

۲- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد

۳- دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد hmirak71@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۷

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۴/۳۰

آمده برابر با ۰.۶۱۴ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ است که توافق ضمنی مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد و در نهایت مؤلفه‌های مستخرج شده از مراحل قبل، در قالب پرسشنامه تنظیم و در اختیار کارشناسان مرحله قبل قرار می‌گیرد تا ضریب اهمیت هریک از مؤلفه‌ها را در شهرک باهنر نشان دهند. پرسشنامه‌های به دست آمده در نرم‌افزار SPSS24 وارد و با آزمون اولویت‌بندی فریدمن تحلیل می‌شود. با توجه به یافته‌های به دست آمده می‌توان ادعا کرد که مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر وضعیت فرهنگی حاکم بر شهرک شهید باهنر مشهد به ترتیب، مؤلفه‌های اجتماعی، گزاره‌ای، ارزشی و نگرشی‌اند. در واقع هنجارهای اجتماعی بیشترین تأثیر و دیدگاه‌های نگرشی، کمترین تأثیر را داشته‌اند. مهمترین خرده‌فرهنگ‌های فرعی نیز به ترتیب اهمیت در زمینه نگرش و سبک زندگی (میانگین آزمون فریدمن ۳.۰۵)، پذیرش اجتماعی (۲.۹۸)، هیجان‌خواهی (۲.۹۱)، عدم تمایل به آینده (۲.۹۰)، مشارکت‌جویی (۲.۶۹)، لذت‌جویی (۲.۶۸) و مسئولیت‌پذیری (۲.۳۲)‌اند. در نهایت یافته‌های تحقیق در قالب تحلیل‌های کیفی (هرمونیتیک) تفسیر شده‌اند.

واژه‌های کلیدی

خرده‌فرهنگ، سکونتگاه‌های غیر رسمی، شهرک باهنر مشهد

بیان مسأله

تعریف فرهنگ بنا به تأکید خاصی که در آن صورت می‌گیرد، می‌تواند دارای تعاریف مختلفی در حیطه تاریخی، روانشناختی، ساختاری و تشریحی باشد. تعریفی که به صورت جامع بتواند همه مفاهیم یاد شده را در برگیرد که فرهنگ را دربرگیرنده اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاق و رفتارهای متأثر از این سه و همچنین آداب و رسوم و عرف یک جامعه معین می‌داند. در گونه‌ای دیگر از تعاریف، آداب و رسوم، شالوده اصلی فرهنگ تلقی می‌شود و صرفاً ظاهر رفتارها، بدون در نظر گرفتن پایه‌های اعتقادی آن، به‌عنوان فرهنگ یک جامعه معرفی می‌گردد (عیسی زاده، ۱۳۹۵، ۱۴۸).

در مقوله فرهنگ که خود دارای زوایای پنهان و غیرقابل‌اندازه‌گیری‌ای است، وجوه و مولدی را می‌توان یافت که از آن به عنوان خرده‌فرهنگ نام می‌برند. خرده‌فرهنگ‌ها با

توجه به تأثیرپذیری افراد با خلق و خو و سبک زندگی متفاوت از یکدیگر حاصل می‌گردند. این فرآیند در جوامع در حال گذاری همچون جامعه ایران و با توجه به ساختارهای متفاوت قومی-قبلیه‌ای، دینی و حتی جغرافیایی، می‌تواند چالش‌های متعددی را در سکونتگاه‌های انسانی پدید آورد (فرانک و بیرقی، ۱۳۹۱؛ ۴۸).

شهر مشهد به عنوان یکی از کلانشهرهای ایران در مرحله گذار به توسعه‌یافتگی قرار دارد و در این فرآیند دچار تغییرات اساسی در ابعاد ساختاری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردیده است، به نحوی که در اثر این تغییرات، مسائل اجتماعی و فرهنگی متعددی زاییده می‌شود که پدیده حاشیه‌نشینی یا سکونتگاه‌های غیر رسمی، یکی از پدیده‌های اولیه و مهم این شهر با یک سوم جمعیت است؛ سکونت‌گاه‌های غیررسمی به مناطقی گفته می‌شود که مهاجران روستایی و محرومان جامعه شهری را در خود جای داده و خارج از برنامه‌ریزی رسمی و قانونی توسعه شهری، عمدتاً بدون مجوز در درون یا خارج از محدوده قانونی شهرها به وجود آمده است. فقدان سند مالکیت رسمی و محرومیت از خدمات زیرساخت‌های شهری از شاخص‌های آن است. شرایط موجود و حاکم بر اینگونه نواحی، در بروز ناهنجاری‌های اجتماعی بسیار مساعد است (نیمروزی، ۱۳۸۵؛ ۱۰).

با توجه به مهاجرپذیری در مناطق حاشیه‌نشین و اجتماع انسان‌های زیادی با آداب و رسوم، اعتقادات، سبک زندگی و به معنای جامع، فرهنگ‌های متفاوت در یک ظرف مکانی مشخص، نوعی تضاد و تعارض از اصطکاک و برهم‌نشینی این تفاوت‌ها پدید می‌آید که با گذشت زمان، منجر به بروز خرده‌فرهنگ‌های سیاه (مخرب) از قبیل عدم تعاون و حس مسئولیت نسبت به محیط زندگی-عدم پابندی به انضباط شهری و تبعیت نکردن از دستورالعمل‌های شهروندی در طبقات مختلف سنی افراد در این اجتماع می‌شود (بسطامی و سهرابی، ۱۳۹۲؛ ۴۸).

مطالعه تاریخ شهر مشهد نشان می‌دهد در هر دوره‌ای که توسعه به وجه فرهنگی آن نزدیک‌تر بوده، موفق‌تر بوده است. نمونه‌ای از شکوفایی چنین رویکردی را می‌توان در دوره تیموری و صفوی در مشهد مشاهده کرد. نمونه‌های نه چندان موفق نیز نشان

می‌دهد هرگاه توسعه‌ی مشهد از زمینه‌ی منظر فرهنگی خود فاصله گرفته، نتایج معکوسی به دست آمده است؛ یعنی به موازات کم‌رنگ شدن بعد فرهنگی توسعه، وجوه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن نیز دچار مشکل شده است (رفیعی، ۱۳۹۶، ۶۱)؛ از این رو حضور فرهنگ‌های متفاوت در مشهد که به دلیل مهاجرت‌های فراوان شکل گرفته است، همواره مجموعه‌ای از خرده‌فرهنگ‌های متفاوت را به وجود آورده است که با وجود تفاوت‌های جدی این خرده‌فرهنگ‌ها با هم، همزیستی مسالمت‌آمیزی شکل گرفته است؛ شهرک شهید باهنر، نمونه‌ی بارزی از این تجمع‌هاست. در شهرک باهنر، اصلی‌ترین دلیل این همزیستی، ارتباط نسبت هریک از این خرده‌فرهنگ‌ها با مفهوم بنیادین شهر مشهد یعنی زیارت بوده است؛ موضوعی که اکنون به دلیل نگاه‌های تک‌ساختی‌ای همچون نگرش فن‌سالارانه به توسعه برابر، بسیار کم‌فروغ در این شهرک تبدیل شده است (عیسی زاده و همکاران، ۱۳۸۹).

شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های جدید در شهرک باهنر شهر مشهد همچون خرده‌فرهنگ نوظهور، محصولات پیش‌بینی نشده‌ای از دیدگاه‌های سازه‌محور به شهر است. سبک زندگی مردم، نوع پوشاک، معماری بناها و کاربری‌های شهری در نقاطی از شهرک که این خرده‌فرهنگ‌ها بروز کرده‌اند، حاکی از ظهور شیوه‌های جدید و متفاوت زیست شهری است. مقایسه‌ی وضعیت فرهنگی این شهرک با ۱۰ سال گذشته خود، نشان‌دهنده‌ی سرعت تغییرات فرهنگی است به طوری که در تعداد نزاع و طلاق، رتبه‌های نخست کشور در شهر مشهد در چنین محله‌هایی قرار دارد که این خود نشانه‌ای از ضعف فرهنگی در یک شهر مذهبی است؛ از این رو در مورد حاشیه‌نشینی می‌توان یک تلقی موقعیتی و جغرافیایی داشت و تلقی دیگری فراتر از آنکه حاشیه‌نشینان را فارغ از موقعیت جغرافیایی، به دور ماندگان از جریان پویای توسعه می‌داند (مهندسان مشاور اساس شهر شرق، ۱۳۸۹).

مسأله حاشیه‌نشینی به‌ویژه پیامدهای آن را می‌توان از چند زاویه مورد بررسی قرار داد: یکی اینکه، شهر مشهد در مقایسه با دیگر کلان‌شهرهای ایران دارای موقعیت خاص مذهبی - فرهنگی است که به خاطر تقدس و احترامی که ایرانیان برای بارگاه امام هشتم قائلند همگان وجود فضایی فرهنگی و اجتماعی نسبتاً مطلوبی را برای محیط شهر مشهد

در مقایسه با سایر کلان‌شهرها انتظار دارند.

دوم اینکه به دلیل موقعیت خاصی که در جذب اردوهای سیاحتی - زیارتی و کاروانها و دیگر گروه‌ها و زائران دارد، امکان تعامل متقابل بین اقوام و گونه‌های مختلف زبانی، دینی و مکانی به وجود می‌آورد و در پس این کنش‌های متقابل، جهانی از ارزش‌ها، هنجارها و عقاید متفاوت وجود دارد که زمینه فرهنگی و اجتماعی مساعد و مطلوبی می‌تواند کنشگران مختلف را در محیط شهری به اهدافشان برساند.

سوم اینکه، موقعیت اقتصادی - فرهنگی مشهد در جذب مهاجران از سایر نقاط پیرامونی، فضاهای متفاوتی از روابط اجتماعی و فرهنگی که گاهی آسیب‌زا است به وجود می‌آورد. و در این میان بحث مدیریت و توسعه اقتصادی - اجتماعی شهر مشهد مطرح می‌گردد که پیش‌نیاز برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت توسعه شناخت وضعیت امکانات، توانمندی‌ها و مسائل و تنگناهایی موجود است، در نتیجه شناخت پیامدهای مسأله حاشیه‌نشینی به عنوان یکی از اهم مسائل شهر مشهد، اهمیت بسیاری پیدا می‌کند.

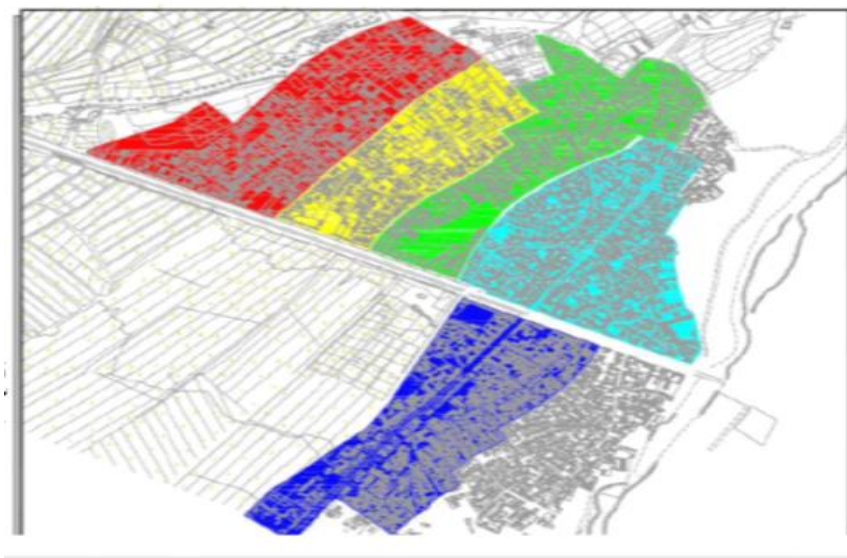
چهارم اینکه، میزان بسیار مهاجرپذیری مشهد و ترکیب موزائیکی جمعیتی آن و ورود بیش از ۱۵ میلیون زائر سالانه از یک سو و رشد حاشیه‌نشینی، ساخت و ساز بی‌رویه، خصوصاً منجر به بروز مسائل فرهنگی در حاشیه شهر شده است که پرداختن به آن ضرورتی انکارپذیر است (براتی، ۱۳۹۵؛ ۱۸)؛ بر این اساس این پژوهش به دنبال شناسایی و ایجاد ظرفیتی فکری و عملکردی در این سکونتگاه شهری است تا با برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری این ظرفیت‌ها بتواند در بلندمدت، خرده‌فرهنگ‌های مخرب را به سمت تمایلات فرهنگی سازنده و پایدار میل دهد.

با توجه به بررسی اهداف و چالش‌ها، این تحقیق به دنبال شناسایی خرده فرهنگ‌های حاکم بر شهرک شهید باهنر مشهد و اولویت‌بندی مهمترین آنان بر وضعیت حاشیه‌نشینی است.

قلمرو پژوهش

شهرک شهید باهنر در جنوب شرقی شهر مشهد و ۵ کیلومتری آن، در کنار محور جادهٔ سرخس بعد از شهرک شهید رجایی (قلعه ساختمان) با مساحت ۱۶۰ هکتار و در محدودهٔ تحت نظارت منطقهٔ ۶ شهرداری مشهد است.

نوع مالکیت در این شهرک از نوع قولنامه‌ای است. از نظر تقسیمات شهری، شهرک شهید باهنر به عنوان بخش منفصل شهر مشهد از نظر مدیریت شهری و نظارت و کنترل بر تحولات توسعه و عمران آن، در حال حاضر به وسیله ناحیهٔ ۴ شهرداری منطقهٔ ۶ شهرداری مشهد اداره می‌شود (مشتاق، ۱۳۹۲، ۱۲۰).



شکل - ۱ نقشهٔ محلات عرفی

منبع: نگارندگان

شکل‌گیری و گسترش کالبدی بافت‌های ساخته شدهٔ این شهرک اکثراً در چارچوب توسعهٔ فیزیکی بدون برنامه، بی‌رویه، خودرو، غیر قانونی و بدون ساختار اجتماعی منسجمی انجام شده است به طوری که چند نوع قشر اجتماعی را در محدوده می‌توان مشاهده کرد: گروه اول: مهاجرانی که از شهرستانها، استانها و حتی کشورهای دیگر در جستجوی

کار به این مکان می‌آیند. این گروه شامل کارگران ساده و مزدبگیرانند که قومیت اکثر آنها بلوچ است و با تشکیل هسته‌های قومیتی در بخش‌های میانی محدوده، در خانه‌هایی با زیربنای کم (زیر ۱۰۰ متر) زندگی می‌کنند. خانه‌های ساخته شده توسط این قشر از افراد ساکن در شهرک دارای حداقل تسهیلات رفاهی می‌باشد و هزینه زندگی افراد این گروه، برحسب هزینه خوراک، تفریحات و سایر هزینه‌ها بسیار کم است.

گروه دوم: افراد طرد شده از بستر حیات کلانشهر مشهد که به لحاظ اجتماعی، فاقد منزلت و جایگاه‌ند؛ این گروه اکثراً نیمه‌متخصص و کارگر ساده‌اند که در شهرک به زندگی مشغولند. بعضی از افراد این گروه دارای کارگاه‌های کوچک تولیدی یا واحدهای تجاری خرده‌فروشی‌اند. تحرک شغلی میان این گروه، افقی و چندان گسترده نیست. این گروه در سطح شهرک پراکنده بوده و محل زندگی آنها از تسهیلات رفاهی کمی برخوردار و هزینه‌های زندگی روزمره آنها کم است.

گروه سوم: ساکنان قدیمی شهرک با تعلق خاطر بسیار به شهرک که از وضعیت موجود در شهرک رنج می‌برند. این قشر شامل ساکنان قدیمی شهرک‌ند که در بخش‌های قدیمی (هسته‌های نخستین) زندگی می‌کنند. شغل اصلی این گروه، کشاورزی در اراضی زراعی حاشیه محدوده است. آنها به مرور با تغییر شغل به فروشندگی و ایجاد کارگاه‌های تولیدی (مکانیکی، صافکاری و...) روی آورده‌اند و تحرک شغلی در بین افراد نسبت به شغل قبلی افقی است و تحول کیفی محسوسی ندارد. محل سکونت این افراد عمدتاً واحدهایی با زیربنای بیش از ۱۰۰ متر مربع بوده است و از تسهیلات کافی برخوردار نیست.

گروه چهارم: مخفیگاهی موقت برای خلافکاران و بزهکاران کلانشهر مشهد. بر اساس آمارهای دریافتی از نهادهای مدیریت شهری به لحاظ ترکیب ادیان در محدوده، می‌توان به اهل تشیع و اهل سنت اشاره کرد. به لحاظ آماری ۶۵ درصد اهالی را شیعیان و ۳۵ درصد را اهل سنت تشکیل می‌دهند. این در حالی است که در سال‌های قبل درصد اهل سنت ۲۰ درصد بوده‌اند. به لحاظ قومیتی نیز می‌توان به سه گروه قومی عمده فارس، بلوچ و

افغان اشاره کرد که قومیت‌های افغان و بلوچ عمدتاً در بخش‌های جنوبی و حاشیه‌های شرقی محدوده سکونت دارند (مهندسان مشاور اساس شرق مشهد، ۱۳۹۶، ۱۴).

پیشینه نظری پژوهش

خرده‌فرهنگ، مفهومی در درون یک فرهنگ بزرگتر با سبک و هویتی متمایز است که، دارای علایق و منافع متفاوت با فرهنگ مسلط است. در درون خرده‌فرهنگ‌ها نوآوری فرهنگی رخ می‌دهد؛ این ایده‌ها به محض پذیرش عمومی در جامعه رواج یافته و بخشی از فرهنگ جامعه می‌شود (اسکندری، ۱۳۸۳؛ ۱۵).

نقش خرده‌فرهنگ بر روند رشد حاشیه‌نشینی

اسکار لوئیس، فرهنگ فقر را مجموعه‌ای از ارزشها، نگرش‌ها و رفتارها می‌داند که ضرورتاً متفاوت با فرهنگ طبقه متوسط است و سازگار با موقعیتی است که طبق آن به افراد فقیر اجازه نمی‌دهد با جامعه حاکم یکپارچه شوند. در ایالات متحده، نقطه عطف توجه به فرهنگ فقر از زوال عمیق فرهنگ اقلیت‌های سیاه در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ جلدانشدنی بود. این مفهوم با انتشار گزارش دانیل پاتریک درباره خانواده سیاهان رشد پیدا کرد و هدفش آن بود که چگونه بردگی به زوال نهادهای مرتبط با اجتماعات سیاهان منجر می‌شود؟ به گمان وی، بی‌سازمانی اجتماعی در درون شهرها، ناشی از تباهی مؤسسات و سازمان‌های اجتماعی است؛ جایی که در خانواده‌ها به طور فزاینده‌ای، زنان نقش‌های اصلی را بر عهده داشته‌اند (Wekesa, 2012, 240).

آلبرت کوهن در کتاب «پسران بزهکار»، که در سال ۱۹۵۵ منتشر شد، به موضوع خرده‌فرهنگ بزهکاری می‌پردازد. تأکید کوهن مانند کلوارد و اوهلین بر بزهکاری دسته‌های کج روی طبقه پایین در مناطق شهری است. او معتقد است ساختار جامعه، فشار بر افراد تحمیل می‌کند. کوهن بر بزهکاری طبقه کارگر تأکید دارد و معتقد است

که بخش زیادی از چنین رفتارهایی نمایشی است و برای کسب پول نیست؛ او به تبیین رفتار کج‌روانه غیرسودجویانه به‌ویژه در بین جوانان طبقه پایین توجه و تأکید دارد. از نظر او رفتارهایی مانند وندالیسم و خشونت مثال‌هایی از چنین رفتارهایی است. به اعتقاد کوهن، خرده‌فرهنگ بزهکاری، پاسخ دسته‌جمعی افرادی است که در ساختار اجتماعی موقعیت یکسانی دارند و برای کسب موقعیت‌های اجتماعی عالی و مزایای مادی‌ای که به تبع این موقعیت به دست می‌آید، احساس ناتوانی می‌کنند و انتخاب خرده‌فرهنگ بزهکار به طور دسته‌جمعی راه حلی است برای کسب موقعیت اجتماعی فرد بر اساس معیارهایی که از طرف آنان پذیرفته شده و انجام آن‌ها برایشان امکان‌پذیر است. والتز میلر، تحلیل متفاوتی در مورد نقش خرده‌فرهنگ بزهکار در پیدایی کج‌رفتاری عرضه می‌کند. او کج‌رفتاری را نوعی واکنش افراطی می‌داند که با مناسبات فرهنگی فرعی طبقه پایین جامعه ارتباط دارد و در سالیان متوالی پیدا شده و استمرار یافته است. میلر استدلال می‌کند که بر اثر پیروی از رفتارهای فرهنگی، که دربردارنده عناصر اصلی الگوی کلی فرهنگ پایین است، خود به خود از برخی هنجارهای قانونی انحراف به وجود می‌آید. این انحراف در عمل به صورت ویرانگری، حمله و ضرب و شتم، حقه‌بازی، زرنگی، فریبکاری و سایر اعمال خلاف ظاهر می‌شود و به هدف کسب وجهه و شهرت است. میلر بر ویژگی‌های فرهنگی طبقه پایین که در کج‌روی نقش دارند تأکید می‌کند. این ویژگی‌ها با هنجارهای فرهنگ مسلط در تضاد است. نظریه او بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی و داده‌های بوم‌شناختی است. به گمان او، رفتار کج‌روانه، سازگاری جوان با فرهنگ طبقه پایین است. بزهکاری، شیوه‌ای برای کسب مقبولیت بر اساس انتظارات این فرهنگ است. وفاداری به این علایق، به رفتار خلاف قانون تشویق می‌کند (بابایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ۱۷).

جدول ۱- عناصر خرده‌فرهنگ و پیامدهای ناشی از آن

ردیف	عناصر خرده‌فرهنگی	پیامدهای عناصر خرده‌فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی
۱	فقر و ارزشمندی فقر	پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین، موروثی شدن فقر، اشتغال کاذب و جذب در اقتصاد غیررسمی شهر مانند تکدی‌گری.
۲	مشارکت پایین اجتماعی و عدم تعلق روحیه شهروندی	عدم ادغام در جامعه محلی و شهری، سرمایه اجتماعی بالای درون‌گروهی، سرمایه اجتماعی پایین نسبت به نظام شهری، بی‌سوادی زنان و کودکان، بی‌توجهی به مشارکت در فعالیت‌های محلی نظیر رأی دادن در انتخابات شورایی.
۳	این‌جا و اکنون بودن و عدم تمایل به آینده‌نگری	نداشتن سرمایه و پس‌انداز برای آینده، عدم برنامه‌ریزی برای آینده، مصرف مواد، قماربازی.
۴	هیجان‌خواهی و لذت‌جویی	مصرف مواد، قماربازی‌های دسته‌جمعی، خشونت (خانواده و دیگران)، آزار جنسی.
۵	بی‌توجهی به قانون	درگیر شدن با جرائم و انحرافات اجتماعی، زورگیری، دست‌گیری، سابقه کیفری، طرد از جامعه محلی و شهری حاکم.
۶	مسئولیت‌گریزی مردان	مدیریت اقتصادی معکوس، بیکاری‌های مداوم و طولانی مردان، غفلت نسبت به بهداشت و سلامت اعضای خانواده، عدم توجه به تحصیل کودکان، کار کودکان و زنان، آسیب‌پذیری زنان و کودکان

منبع، بابایی و همکاران، ۱۳۹۴

بررسی نظریه‌ها و تئوری‌های حاکم

تئوری فرهنگ فقر اسکار لوئیس (۱۹۶۱)

یکی از تئوری‌های مهم برای مطالعه رفتار و نگرش افراد در جوامع حاشیه‌نشین و فقیر، تئوری فرهنگ فقر است. اسکار لوئیس فقر و ویژگی‌های آن را به صورت یک فرهنگ و یا یک خرده‌فرهنگ در نظر می‌گیرد که به صورت یک روش زندگی از نسلی به نسل دیگری منتقل می‌شود. به نظر وی جایی که فقر حاکم باشد مساله فقط جنبه مالی و اقتصادی دارد اما جایی که فرهنگ فقر حاکم باشد، مشکل تنها ابعاد اقتصادی و اجتماعی نیست بلکه مشکل فرهنگی و انسانی نیز هست و به ارزش‌ها، اعتقادات و نگرش افراد مربوط می‌شود (kok, 2020).

دیدگاه لیبرالی: مهمترین دستاورد دیدگاه لیبرالی، پذیرش اسکان غیررسمی به عنوان واقعیت شهری در دنیای معاصر به‌ویژه جهان سوم و شهرنشینی شتابان و ناهمگون آن

است. در این دیدگاه، اسکان غیررسمی معلول عوامل داخلی در کشورهای در حال توسعه تلقی شده است و در جهت گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی، این نوع اسکان، ضرورتی در فرآیند این تحول قلمداد می‌شود.

دیدگاه رادیکالی: دیدگاه رادیکال شقوق و مباحث مختلفی را در بر می‌گیرد و خود شامل چند دیدگاه است از جمله: اقتصاد سیاسی فضا، دیدگاه مارکسیستی و نئومارکسیستی. در این دیدگاه خلاف رویکرد لیبرال، فهم علل شکل‌گیری سکونتگاه‌ها بسیار مهم است؛ بنابراین سرمایه‌داری و تحولات آن، خاصه پس از جنگ جهانی، دوم به عنوان متغیر مستقل مؤثر در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی مورد توجه قرار می‌گیرد (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۷)

نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی اورت راجرز (۱۹۶۹)

از دیگر نظریه‌ها با کاربرد وسیع در مطالعات مناطق حاشیه می‌توان به نظریه خرده فرهنگ دهقانی اورت راجرز اشاره کرد. راجرز ویژگی‌هایی برای خرده‌فرهنگ دهقانان بر می‌شمرد که در مناطق حاشیه‌نشین نیز این ویژگی‌ها صادق است: عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها، ناتوانی در چشم‌پوشی از منافع آنی به دلیل منافع آتی، دیدگاه زمانی محدود، خانوادگی‌گرای، وابستگی به قدرت ملی، محلی‌گرایی، فقدان همدلی (Downer, 2018, 163).

نظریه خرده‌فرهنگی شهرسازی کلود فیشر (۲۰۲۰-۲۰۲۲)

نظریه خرده‌فرهنگی شهرسازی کلود فیشر (2022, 2020) برای توضیح چگونگی و چرایی تغییر روابط اجتماعی بر اساس اندازه جمعیت در سکونتگاه‌ها طراحی شده است. بر اساس این نظریه، زندگی شهری به دو حوزه عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود. در حوزه عمومی، روابط اجتماعی معمولاً سطحی‌اند؛ زیرا مردم معمولاً با دیگرانی که شخصاً آنها را نمی‌شناسند و ممکن است دیگر آنها را نبینند در تعاملند؛ چنین تعاملاتی عمدتاً بر اساس نقش‌های آشکاری است که مردم در آن زمان ایفا می‌کنند، مانند سوار

اتوبوس شدن، کارمند فروشگاه یا مشتری و عابر پیاده؛ بنابراین، حوزه عمومی که مستقیماً با اندازه جمعیت متفاوت است، با ناشناس بودن، غیرشخصی بودن، مدارا و عدم پیوند اجتماعی با دیگران مشخص می‌شود.

با این حال، شهرنشینان، حتی آنانی که در سکونتگاه‌هایی با جمعیت بسیار زیاد زندگی می‌کنند، زندگی خصوصی دارند که با شبکه‌های بین فردی دوستان، همکاران و خانواده مشخص می‌شود؛ درست مانند مردم ساکن در سکونتگاه‌های کوچکتر. علاوه بر این، شهرنشینان، بیشتر درگیر سایر کارهای شبکه خصوصی با افرادی‌اند که علایق مشترکی دارند که تا حدودی غیر معمول و اغلب غیر متعارف است. افراد در چنین شبکه‌هایی از طریق تعامل در مورد آن علایق خاص، هنجارهای متمایز، مجموعه خاصی از معانی و مشروعیت‌ها، نظام‌های وضعیتی و سایر ویژگی‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند که آنها را به عنوان خرده‌فرهنگ‌ها متمایز می‌کند؛ بنابراین، شهرنشینان در دنیای خصوصی خود، از لحاظ اجتماعی، پیوندهای بین فردی کمتری نسبت به مردم سایر مکان‌ها ندارند و علاوه بر این، آنها بیشتر درگیر شبکه‌های خرده‌فرهنگی‌اند.

شهرها شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها را ترویج می‌کنند؛ زیرا جمعیت زیاد آنها این احتمال را بیشتر می‌کند که تعدادی از مردم علاقه‌ای را به اشتراک بگذارند، حتی اگر از نظر آماری نادر یا غیر متعارف باشد. علاوه بر این، آزادی مستلزم یک حوزه عمومی ناشناس، غیرشخصی و بردبار به شهرنشینان با علایق خاص اجازه می‌دهد همدیگر را پیدا کنند و به اندازه کافی برای تولید خرده‌فرهنگ‌ها تعامل داشته باشند. فیشر از اصطلاح «توده بحرانی» برای اشاره به موقعیتی استفاده می‌کند که در آن افراد کافی با علایق مشابه اما غیرعادی برای تشکیل یک خرده‌فرهنگ وجود دارند.

نظریه فیشر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا به حل تناقضات بین نظریه‌های شهری قبلی کمک می‌کند. به عنوان مثال، Wirth (۱۹۶۹) شهر را به عنوان یک مکان انزوای اجتماعی با کنترل اجتماعی ناکارآمد و احتمال زیاد آسیب‌شناسی اجتماعی به تصویر کشید. علاوه بر این، گانز (۱۹۶۲) معتقد بود که روابط اجتماعی شهری و

الگوهای رفتاری کاملاً نتیجه ویژگی‌های جمعیتی اجتماعی ساکنان آن‌هاست، بدون اینکه خود بافت‌های شهری هیچ‌گونه تأثیر علی داشته باشند. حساب فیش‌ر از هریک وام می‌گیرد، اما یک عنصر خرده‌فرهنگی منحصر به فرد را نیز اضافه می‌کند. با این حال، از آنجا که بخشی از این نظریه به پدیده‌های سطح زیست‌محیطی فرافردی مربوط می‌شود که اندازه‌گیری آن‌ها با داده‌های سطح شهر دشوار است، نظریه کامل به طور کامل مورد آزمایش قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد شواهد با این تصور که ساکنان شهرها روابط بین فردی و خانوادگی را حفظ می‌کنند و هم‌زمان دنیای عمومی بی تفاوتی نسبی (اگرچه نه آنقدر افراطی که گزارش‌های قبلی نشان می‌دهد) را اشغال می‌کنند، و اینکه بسیاری از انواع خرده‌فرهنگ‌ها در شهرها رشد می‌کنند، و اینکه کسانی که به چنین خرده‌فرهنگ‌هایی وابسته‌اند، بیشتر درگیر رفتارهای عجیب و غریبی‌اند که آنها ترویج می‌کنند. با این حال، هنوز ثابت نشده است که شهرها زادگاه یا پرورش‌دهنده‌ترین زمینه برای همه خرده‌فرهنگ‌ها باشند و هنوز مشخص نیست که آیا سیستم‌های ارتباطی مدرن، به‌ویژه اینترنت، شهرها را کمتر به شکل‌گیری خرده‌فرهنگی یا رفتارهایی که احتمالاً توسط آنها ایجاد می‌شود مرتبط می‌کند یا خیر.

نظریه فرهنگی میلر

میلر مهم‌ترین ارزش‌های این فرهنگ را به شش دسته تقسیم می‌کند: ۱- مزاحم ۲- ملاحظات اساسی ۳- سرسختی ۴- کلک بازی ۵- هیجان ۶- قضا و قدری بودن و ۶- استقلال (Basil, 2014, 29).

جدول ۲- ابعاد نظریه فرهنگی میلر

تعریف	بعد
دخالت در نهادهای کنترل اجتماعی رسمی و فرهنگ مسلط	مزاحمت
تصور تحریف‌شده از مردانگی ^۱	سرسختی
مهارت و توانایی بده‌بستان‌های شفاهی ^۲ مربوط به محیط طبقه پایین	کلک‌بازی
احیای روزمرگی زندگی طبقه پایین از طریق سرگرمی تحریف‌کننده هیجانانگیز که اغلب هنجارهای طبقه مسلط را زیر پا می‌گذارد.	هیجان
ایمان به کنترل پایین بر نیروهایی که زندگی شخصی را شکل می‌دهد.	قضا و قدری بودن
نگاه دوگانه به آزادی از کنترل بیرونی که در خشم آشکار از کنترل و گریز پنهانی از کنترل نمایان است.	استقلال

منبع: Basil, 2014

پیشینه تحقیق

یعقوب پور و محرم (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان " بررسی چالش‌های فرهنگ شهرنشینی و حاشیه‌نشینی در شهر اردبیل " به روش توصیفی و تحلیلی پرداخته‌اند. برای گردآوری اطلاعات از اخبار و گزارش‌ها و مقالات ارائه شده و بازدیدهای میدانی از مناطق حاشیه‌ای شهر اردبیل همچنین از پرسشنامه نظرسنجی و نرم افزار اکسل برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. با توجه به یافته‌های پژوهش، یکی از مهمترین عوامل به چالش کشیده شدن فرهنگ شهرنشینی در شهر اردبیل، نهادینه نشدن قوانین شهروندی برای شهرنشین شدن است و مهمترین عامل به وجود آمدن حاشیه‌نشینی، مهاجرت‌های شتاب زده و ایجاد تفاوت‌های فرهنگی در یک منطقه و همچنین تأثیر بی‌اطلاعی مردم از حقوق شهروندی‌شان و تأثیر آن در سیمای شهری است. نتایج نشان می‌دهد در شهر اردبیل زیرساخت‌های شهرنشینی، متناسب با قوانین شهروندی صورت نگرفته و شهرنشینی از فرهنگ شهرنشینی پیشی گرفته است.

بهمنی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "مرور نظام‌مند مطالعات انجام شده در زمینه حاشیه‌نشینی (۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶)" با استفاده از روش مرور نظام‌مند در قالب یک بررسی توصیفی-تحلیلی به مسأله حاشیه‌نشینی در کشور پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان داد که مطالعه حاشیه‌نشینی را می‌توان در چهار بعد دسته‌بندی و خلاصه کرد (۱- پژوهش‌هایی که به تبیین عوامل مؤثر پرداخته‌اند. ۲- پژوهش‌های متمرکز بر شرایط زندگی حاشیه‌نشینی ۳- مطالعات انجام شده با محوریت سیاست ساماندهی و مدیریت و در نهایت ۴- مطالعاتی متمرکز بر پیامدهای حاشیه‌نشینی)

پروین و درویشی فرد (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری؛ مطالعه موردی: محله هرنندی" به بررسی خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محله هرنندی (دروازه‌غار سابق) تهران و در بین گروه‌های موسوم به «غربتی» پرداخته است. داده‌های این تحقیق از طریق روش تحقیق کیفی و با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه و مشاهده گردآوری شده است. حجم نمونه ۴۰ نفر و تعداد این حجم با رسیدن به اشباع نظری پایان یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که غربتی‌ها «خرده‌فرهنگ فقر» خاصی دارند که زمینه را برای انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی فراهم کرده است. علاوه بر این، یافته‌ها گویای آن است که عناصر خرده‌فرهنگ غربتی‌ها مواردی همچون فقر و ارزشمندی فقر، هیجان‌خواهی و لذت‌جویی، بی‌توجهی به قانون، اینجا و اکنون بودن و عدم تمایل به آینده‌نگری، مشارکت پایین اجتماعی و عدم تعلق روحیه شهروندی را شامل می‌شود. همچنین این خرده‌فرهنگ فقر، با شکل‌گیری انواع آسیب‌های اجتماعی در بین افراد غربتی نظیر اعتیاد، خشونت، قماربازی و خرید و فروش مواد ارتباط دارد.

شهرابی و بسطامی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "حاشیه‌نشینی و خرده‌فرهنگ‌های شهری حاشیه‌نشینی در سنندج"، به مطالعه و ارزیابی تطبیقی شاخصهای توسعه انسانی شهر - روستا در مناطق حاشیه‌نشین شهر سنندج (نایسر، تنله، گریزه، حسن آباد) در مقایسه با میانگین این شاخصها در سطح استان و کشور در سال ۱۳۹۰ پرداخته‌اند.

محققان آمارهای پایه‌ای داده‌های مربوط به سال ۱۳۹۱ را استخراج کرده و برای مقایسه بهتر، آزمون بررسی ساختار اجتماعی - اقتصادی مناطق حاشیه‌نشین سندج را طراحی و بین خانوارهای نمونه اجرا کرده‌اند. نتایج جمع‌آوری اسنادی آمارها و مقایسه با نتایج آزمون حاشیه‌نشینی، نشانگر توسعه‌نیافتگی و توزیع نابرابر هزینه - درآمد و دیگر شاخصهای توسعه انسانی به‌ویژه مؤلفه‌های بهداشت و درمان و آموزش بوده است.

ژاکوب لوتا، ایو شونجانس و آلدو لوپالا (۲۰۲۱) 'در مقاله‌ای با عنوان "پیچیدگی پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی در ظهور فضاهای جمعی در شهرسازی برنامه‌ریزی نشده: یادگیری از Mlalakuwa-Dar es Salaam" به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که چگونه عوامل اجتماعی و فرهنگی، باعث ایجاد پویایی در فضاهای جمعی فیزیکی در یک محله غیررسمی خاص در شهر دارالسلام می‌شوند. بررسی فعالیت‌های انسانی از جمله کارکردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، به شکل‌گیری سازمان فضایی فضاهای جمعی در سکونتگاه غیررسمی ملاکووا پاسخ می‌دهد. این مقاله نشان داد که شبکه برنامه‌ریزی شهری، با در نظر گرفتن تنوع فرهنگی و اجتماعی به عنوان عاملی که می‌تواند کل مفهوم برنامه‌ریزی شهری را تغییر دهد، می‌تواند مزایای قابل توجهی داشته باشد. انگیزه‌های متنوع در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در فضاهای جمعی برای سکونتگاه‌های غیررسمی پایدار حیاتی‌اند؛ زیرا نقش عمده‌ای در بهبود مسئولیت فضاهای جمعی در محله‌های برنامه‌ریزی نشده دارند.

حسن المولحی (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان "فرهنگ و توسعه شهری غیررسمی؛ مورد مطالعه: قاهره اشوایات - سکونتگاه‌های غیررسمی" معتقد است، سکونتگاه‌های غیررسمی قاهره یا «اشواعیات» (به معنای اتفاقی)، محصول شهرنشینی سریع و کنترل‌نشده‌ای است که در دهه‌های اخیر شکل گرفته است. اشواعیات قاهره که عمدتاً توسط رژیم دولتی نئولیبرال سابق نادیده گرفته شده، اغلب تنها گزینه برای مهاجران روستایی و فقرای شهری قاهره برای برآوردن نیازهای مسکن خود بوده است. از آنجا که

1. Jacob Lutta, Yves Schoonjans, Aldo Lupala

2. Hassan El Mouelhi

فرآیندهای غیررسمی شهری بسیار تحت تأثیر و شکل‌گیری ساکنان‌اند، مطالعه فرهنگ آن‌ها در رابطه با غیررسمی و فضای شهری بسیار مهم است. فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها و مکانیسم‌های کنترل‌کننده‌ای است که بر رفتارها حاکم است. از بین بردن فرهنگ، کلیدی برای حل پیچیدگی آن است. سؤال تحقیق این است: چگونه عوامل فرهنگی مختلف با ویژگی‌های کالبدی شهری برای تأثیرگذاری بر توسعه «اشواعیه قاهره» در تعامل‌ند؟ از طریق تحلیل تجربی پژوهشی پنج حوزه مورد مطالعه، با استفاده از نظریه زمینه‌ای و روش‌های کیفی، مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی مربوط به مصریان علیا شناسایی شد: ۱- منشأ ۲- دین ۳- ارتباط با اقتصاد شهری (یعنی درآمد و حرفه) و ۴- ارتباط با جامعه شهری (یعنی دولت، ساکنان مناطق رسمی، رسانه، تحول سیاسی و انقلاب). که برای تجزیه و تحلیل الگوهای استفاده ساکنان از فضای شهری استفاده شد. فرآیند توسعه غیررسمی شهری و روابط قدرت ساکنان تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی و فضای کالبدی شهری در طول زمان با یکدیگر تعامل دارند که توضیحی برای الگوهای استفاده ساکنان از فضای شهری و در نتیجه غیر رسمی بودن در «اشویات» ارائه می‌دهد. فازهای توسعه غیررسمی شهری چنین شناسایی شدند: فاز اولیه، فاز تثبیت و فاز کالایی. غیررسمی به امری عادی تبدیل می‌شود، راهی که ساکنان مکانیسم‌هایی برای وجود پیدا می‌کنند و بر اساس مکانیسم‌های متعددی (مثلاً انسجام اجتماعی و ارزش‌های دیگر مانند اعتماد و همکاری) خانه‌ها و وسایلی برای کسب درآمد خود فراهم می‌کنند.

پیتر کلت و یک گارنهام (۲۰۰۰)^۱ به نقش فرهنگ و جنسیت در میانجی‌گری تأثیر مداخلات رسمی در سکونتگاه‌های غیررسمی: مطالعه‌ای از کلمبیا پرداخته‌اند. استراتژی جهانی سازمان ملل متحد برای سرپناه بر مشارکت و نقش زنان در برنامه‌های سرپناه تأکید می‌کند. این دو مؤلفه، مرتبط به هم در زمینه کلمبیا مورد بحث قرار خواهند گرفت؛ جایی که سیاست‌های متری مسکن و توسعه اجتماعی رویکرد سازمان ملل متحد را در

تلاش برای هدف قرار دادن نیازمندان بیشتر منعکس می‌کند. با استفاده از داده‌های تجربی از شهر ساحلی سانتا مارتا، این مقاله توضیح می‌دهد که چگونه ارزش‌های فرهنگی بر توانایی و انگیزه خانوارها برای تحکیم وضعیت مسکن خود در سکونتگاه‌های خودیاری تأثیر می‌گذارد. سپس این تحلیل ساختار خانوار و نقش‌های جنسیتی، برای بررسی تأثیر سیاست دولت در چنین سکونتگاه‌هایی با نگاه به دو برنامه استفاده می‌شود: یارانه مسکن اجتماعی و تأمین مهد کودک. برای برنامه یارانه مسکن، اعتقاد بر این است که تفاوت‌های بین گروه‌ها احتمالاً تشدید می‌شود و گروهی که ارزش‌های نزدیک‌تر به جامعه غالب دارند، به طور بالقوه می‌توانند از فرصت‌های ارائه شده بهتر استفاده کنند. با این حال، برنامه مهد کودک (که با وام‌های بهبود مسکن مرتبط است) بر اساس ارزش‌های مشترک بین زنان است و منجر به پیشرفت‌های قابل توجهی در مسکن و سلامت می‌شود.

در تمام این مطالعات، فرهنگ از جنبه بیرونی مورد بررسی قرار گرفته و از فرهنگ درونزا بحث نشده است. می‌دانیم که فرهنگ، بر رفتار مردم تأثیر می‌گذارد؛ با این حال، برآورد میزان دقیق این تأثیر، چالش روش‌شناختی بزرگی را برای علوم اجتماعی ایجاد می‌کند. این به این دلیل است که ترجیحات و باورها درون‌زا یند؛ یعنی توسط تجربیات خود افراد شکل می‌گیرند و تحت تأثیر همان شرایط کلان ساختاری‌اند که اعمال آنها را محدود می‌کند. این مطالعه، روش جدیدی را برای غلبه بر مشکلات درون‌زایی در برآورد اثرات فرهنگی با استفاده از جمعیت‌های مهاجر معرفی می‌کند. این روش نوآورانه از ویژگی‌های متناسب، تولید شده از معادل‌های غیرمهاجره مشاهده‌شده در کشور مبدأ، به عنوان ابزاری برای ویژگی‌های فرهنگی خود مهاجران که در کشور مقصد اندازه‌گیری می‌شوند، استفاده می‌کند. با ساخت، صفات متناسب به محیط اجتماعی میزبان مهاجران برونزا یند. قدرت پیش‌بینی شده صفات متناسب، نسبت به ویژگی‌های مشاهده‌شده در تخمین متغیر ابزاری، مؤلفه غیر خاص ترجیحات و باورهای را که مهاجران و معادل‌های غیرمهاجر به عنوان اعضای یک گروه با منشأ ملی؛ یعنی فرهنگشان به اشتراک می‌گذارند، نشان می‌دهد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر در ردهٔ پژوهش‌های ترکیبی موازنه و با استفاده از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه، از ۱۳ نفر از متخصصان حوزهٔ علمی- اجرایی انجام خواهد شد که در جدول زیر قابل بررسی است:

در روش تحقیق ترکیبی موازنه سعی شده است در روش موازنه، برداشت اطلاعات و تحلیل آنها به صورت کمی و کیفی انجام و به همین شکل نیز تحلیل می‌شود؛ از این رو در بخش ابتدایی، برداشت اطلاعات کیفی از طریق مصاحبه و بررسی مبانی نظری انجام شد و سپس اطلاعات کیفی به پرسشنامه محقق ساخت تبدیل شد و در اختیار کارشناسان قرار گرفت که در ادامه قابل بررسی است:

الف: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه‌شوندگان در این مرحله با توجه به نظرات و دیدگاه‌های خود و با توجه به ارائهٔ گزارش‌هایی به آنها مبنی بر شناسایی دقیق خرده‌فرهنگ‌های حاکم در شهرک شهید باهنر، هر یک توضیحات خود را دادند. گفتنی است که سمت و میزان مدت زمان هر یک از مصاحبه‌ها در جدول شماره ۴-۱ آورده شده است.

جدول ۳- نتایج حاصل از مصاحبه

ردیف	سمت	تعداد	مدت زمان پیش‌بینی شده برای انجام مصاحبه
۱	مهندسان مشاور	۳	۶۰ دقیقه
۲	کارشناس حوزهٔ معاونت فرهنگی شهرداری	۲	۳۰ دقیقه
۳	کارشناس حوزهٔ فرهنگی شهرداری منطقهٔ ۶	۲	۳۰ دقیقه
۴	کارشناس ارشد معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری	۱	۳۰ دقیقه
۵	استادان و صاحب‌نظران دانشگاهی	۲	۳۰ دقیقه
۶	سازمان تبلیغات	۳	۶۰ دقیقه
	مجموع	۱۳	۲۴۰

در بخش اول برای شناسایی مهم‌ترین خرده‌فرهنگ‌های منطقه، پس از مصاحبه انجام شده، تمام متون مصاحبه به همراه متن کاوی انجام شده از سایر طرح‌ها و مقالات مرتبط

در شهرک باهنر مشهد، وارد نرم‌افزار تحلیل متن مکس کیودا گردیده است. در واقع نتایج نظری و پیشینه‌ای در این بخش، به روایی محتوایی و صوری تحقیق کمک کرد تا به بهترین شکل ممکن بتوان نسبت به شناسایی عوامل اولیه اقدام کرد. پس از شناسایی عوامل مؤثر با آزمون کاپا کوهن، به میزان توافق بین نظریه‌های صاحب‌نظران پرداخته شد و در نهایت پس از توافق به دست آمده از صاحب‌نظران خواسته شد تا به هر یک از مؤلفه‌ها براساس ضریب اهمیت نمره بدهند و در نهایت بر اساس آزمون اولویت‌بندی فریدمن در نرم‌افزار آماری SPSS، مؤلفه‌های به دست آمده دسته‌بندی شد که مهمترین آنان در قالب کدهای اصلی، فرعی، نوع، تعداد اشاره‌گر به هر سند، امتیاز نهایی و نوع برداشت آورده شده که ادامه جدول شماره ۴، بیانگر جزئیات آن است:

شناسایی خرده‌فرهنگ‌های حاکم در شهرک باهنر

پس از اتمام مصاحبه‌های صورت گرفته، متن و صداها ضبط شده به نرم‌افزار مکس کیودا منتقل شد. با توجه به خروجی این نرم‌افزار، مهمترین خرده‌فرهنگ‌های حاکم از دیدگاه متخصصان و خبرگان حوزه شاغل در امور فرهنگی و اجتماعی به شرح زیر دسته‌بندی شد:

جدول ۴- شناسایی و دسته‌بندی مهمترین آسیب‌های اجتماعی در منطقه

نوع سند	امتیاز	تعداد اشاره‌گر سند	سند	کد فرعی	کد اصلی
مصاحبه	2.75	۳	ازدواج و طلاق در سن کم (بخصوص در بین بانوان)	کد فرعی: عدم تمایل به آینده (۴۶ درصد)	کد اصلی: ارزشی ۳۶ مورد (۴۶ درصد)
مصاحبه	2.5	۴	فاقد هر گونه مدرک و سند هویتی		
مصاحبه	3.12	۶	تمایل به بچه‌آوری و میل به جمعیت زیاد		
مصاحبه	2.75	۵	عدم تمایل به بهبود ارزش‌های زندگی		
مصاحبه	2.75	۸	افزایش ترک تحصیل دختران در سن کم		
مصاحبه	3.87	۱۰	پایبندی به رسوم عشیره‌ای و سنتی (ازدواج‌های درون قبیله‌ای)		
مصاحبه	3	۲	حجم زیاد جمعیت نیروی فعال بی‌کار در بازه سنی ۱۵-۲۵ سال		
مصاحبه	3.25	۲	حاکم بودن فرهنگ روستایی و عدم آشنایی و پایبندی به قوانین شهری (میل به جرم)		

مصاحبه	2.12	۵	استفاده از مواد افیونی و توهم‌زا	لذت جویی (۳۸ درصد)	
مصاحبه	3	۶	میل به قانون‌گریزی و وندالیسم اجتماعی	مسئولیت و قانون‌گریزی (۳۳ درصد)	
مصاحبه	2.25	۴	قانون‌گریزی و عدم مسئولیت مدنی و اجتماعی		
مصاحبه	۲.۸۷	۳	میل به آزادی و بی بند و باری		
مصاحبه	2.75	۴	افزایش تن‌فروشی و فحشا	نگرش و سبک زندگی (۳۲ درصد)	
مصاحبه	2.25	۲	تشدید فرهنگ بی‌نظمی حاکم در زندگی		
مصاحبه	2.75	۱	عدم تربیت اصولی کودکان و میل به بزه		
مصاحبه	2.25	۲	سردرگمی فرهنگی (تلفیقی از زندگی قبلی (عشیره ای) و زندگی شهری (مدرن))	نگرش و سبک زندگی (۳۲ درصد)	
مصاحبه	2.62	۹	افزایش مشاغل کاذب مانند دست‌فروشی، پهن کردن بساط و ...		
مصاحبه	2.25	۷	عدم تمایل به ازدواج و ترویج نگرش تک-گزینی		
مصاحبه	2.37	۳	بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی و حکومتی	مشارکت‌پذیری (۳۱ درصد)	
مصاحبه	2.75	۱۰	مشارکت کم		
مصاحبه	2.75	۱	فرهنگ استفاده از واژگانی همچون حاشیه و غیر رسمی در اذهان عمومی و حاشیه‌نشینان در بلندمدت، تمامی فعالیت‌ها از جمله مشارکت را در حاشیه قرار می‌دهد.		
مصاحبه	3	۵	گسست روابط همگن و عدم تعلق مکانی	مشارکت‌پذیری (۳۱ درصد)	
مصاحبه	2.88	۲	عدم توانمندسازی و تشویق و بهبود به زندگی		
مصاحبه	3	۲	از دست دادن اعتماد و زمینه پذیرش رفتاری		
مصاحبه	3.75	۱	عدم پذیرش اجتماعی (به دلیل بهره برداری کم از آموزه‌های دینی، اخلاقی، قانونی در بین افراد حاشیه‌نشین)	پذیرش اجتماعی (۱۲ درصد)	
مصاحبه	2	۱	پذیرش‌ها، انتخاب‌ها و تصمیم‌ها بر مبنای احساسات		

نگرشی ۲۵ مورد (۳۲ درصد)

مشارکت‌های اجتماعی ۳۱ مورد (۳۱ درصد)

در تحلیل کیفی متن‌ها در گام اول، نرم‌افزار به بررسی تعداد اسناد بر اساس نشانه‌گرهای اشاره شده در هر سند، کد فرعی و اصلی می‌پردازد. در واقع در این گام سعی می‌شود سندهای ارزشمند و کدها بر اساس ارزش طبقه‌بندی گردند و در صورت نیاز کدهایی که کمترین میزان اشاره‌گر را داشته‌اند حذف شوند. طبیعی است که هرچه تعداد نشانه‌گرها بیشتر باشد آن کد از توافق بیشتری برخوردار بوده و در نتیجه روایی آن تأیید می‌شود.

با توجه به نتایج به دست آمده در مجموع، ۲۶ خرده‌فرهنگ عمده شناسایی و در قالب ۷ کد فرعی و ۴ کد اصلی دسته‌بندی گردیده‌اند. در این بین ۶ شاخص عمده در کد فرعی عدم تمایل به آینده، ۲ شاخص در کد فرعی هیجان‌خواهی ۱ شاخص در کد لذت‌جویی، ۳ شاخص در کد مسئولیت‌گریزی، ۶ شاخص در کد فرعی نگرش، ۴ شاخص در کد فرعی عدم مشارکت‌جویی و ۴ شاخص در کد فرعی عدم پذیرش اجتماعی ثبت شده‌اند که بیشترین میزان شاخص‌ها را می‌توان در کد فرعی عدم تمایل به آینده و کد فرعی نگرش و سبک اجتماعی مشاهده کرد. از منظر درصد افرادی که به این کد اشاره کردند، ۱۳ متخصص (۱۰۰ درصد) است نتایج نشان می‌دهد که کدهای فرعی عدم تمایل به آینده، لذت‌جویی و عدم مشارکت به آینده، بیشترین میزان اشاره‌گر را داشته‌اند؛ به این معنا که این کدها و شاخص‌های آنان بیشتر مورد توافق متخصصان بوده است، به طوری که در این سند (در فرهنگ‌های سنتی بسیاری از خانوارهای ساکن در حاشیه ازدواج‌ها در سنین کم، فرار خانواده از زیر بار فقر و مشکلات مالی است که معمولاً این ازدواج‌ها بدون شناخت کافی و درون خانواری انجام می‌شود). ۱۰ نفر از متخصصان به آن اشاره کرده‌اند که این موضوع علاوه بر اهمیت آن، متفق القول بودن متخصصان را نیز نشان می‌دهد. با توجه به تعداد نشانه‌گر و درصدگیری از هر کد می‌توان به ضریب اهمیت و روایی آن سند پی برد.

در زمینه بررسی کدهای اصلی که در ۴ دسته عمده تقسیم‌بندی شده‌اند کد "نگرش ارزشی" با ۳۶ اشاره‌گر و کسب ۴۶.۱۵ درصد، بیشترین میزان توافق و ارزش‌گذاری را داشته است، دیدگاه‌های نگرشی با ۲۵ مورد و ۳۲ درصد در جایگاه بعد و شاخص‌گرایش‌های گزاره‌ای و هنجارهای اجتماعی در ردیف‌های اعتبار دیگر بوده‌اند.

با توجه به نمره‌گذاری و میانگین هریک از مؤلفه‌ها از منظر صاحب‌نظران و مدیران، بیشترین میزان میانگین به‌دست آمده در حوزه اسنادی ابتدا مسائل هنجارهای اجتماعی با میانگین (۲۲.۵) گرایش‌های گزاره‌ای (۱۸.۶۱) و پس از آن مسائل ارزشی با میانگین (۱۷.۴) بوده است. نتایج در حوزه محتوای سند نشان می‌دهد که حاکم‌ترین خرده‌فرهنگ در بین اهالی شهرک شهید باهنر در زمینه هنجارهای اجتماعی است که در این زمینه عدم پذیرش اجتماعی و عدم مشارکت‌پذیری، مهمترین مؤلفه‌های آن است. در ادامه مباحث، تأثیر هریک از شاخص‌ها به صورت کیفی تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش

میزان تحصیلات افراد پاسخگو در قالب ۵ مؤلفه سنجش گردید که کمترین میزان آن به دیپلم و بیشترین طیف ارزشی به مدرک دکترا اختصاص یافت. بیشترین درصد و ارزش فراوانی به افرادی تعلق گرفت که میزان تحصیلات خود را کارشناسی ذکر کرده‌اند که ۵۴ درصد (۷ نفر) از افراد پاسخگو را در بر می‌گیرند. بعد از آن به ترتیب ۲۳ درصد (۳ نفر) تحصیلات تکمیلی و ۱۵ درصد یعنی (۲ نفر) مدرک دیپلم و بالاتر اعلام کرده‌اند و تنها ۱ نفر میزان تحصیلات خود را حوزوی اعلام کرده است.

در زمینه سابقه شغلی افرادی که کمتر از ۱۰ سال سابقه کار داشتند ۱۰ نفر (۷۷ درصد)، دارای سابقه کاری بیش از ۱۰ سال بوده‌اند، ۳ نفر یعنی (۱۳ درصد) سابقه کاری خود را کمتر از ۱۰ سال اعلام کرده‌اند.

سنجش میزان توافق کارشناسان

با توجه به آزمون کاپا کوهن، میزان توافق و همسوسازی نمره‌ها در بین صاحب‌نظران سنجیده می‌شود تا مشخص شود که آیا این نوع از نمره‌دهی بر پایه رویه‌ای علمی است یا به صورت تصادفی و احتمالی است؛ از این رو نتیجه آزمون کاپاکوهن در اینجا قابل بررسی است:

جدول ۵- بررسی آزمون کپاکوهن در زمینه توافقات نظرات خبرگان

		متغیر	خطای ضریب از انحراف	Approx. T ^b	سطح معناداری
واحد آزمون	کاپا کوهن	۶۵۰.۵	.052	7.185	.000
تعداد آزمودنی معتبر		۱۳			

با توجه به ضریب نمره مصاحبه‌شوندگان و همچنین نمره‌های به دست آمده در مبانی نظری تحقیق، آزمون از همخوانی معناداری برخوردار است. با توجه به نتایج جدول بین ۱۳ نفر از مصاحبه‌شوندگانی که به هریک از آیتم‌های مصاحبه و مبانی نظری نمره داده‌اند با توجه به آزمون کپا مشخص شد که بین صاحب‌نظران در زمینه نمرات داده شده توافق ۶۵٪ وجود دارد از آنجا که ضریب کپا بین ۱- تا ۱+ است و هرچه این عدد به ۱+ نزدیک باشد بیانگر توافق بیشتر است؛ با توجه به نتایج و خروجی ۶۵٪ داده‌ها و معنادار بودن آزمون Sig=0.00 در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعا کرد که بین ۱۳ نفر از محققان در زمینه نمرات داده شده توافق وجود دارد.

پس از تعیین ضریب همسویی و میزان توافق به اولویت‌بندی آسیب‌ها از منظر پاسخگویان پرداخته می‌شود؛ از این رو با توجه به خروجی جدول فریدمن و سطح معناداری نتایج زیر قابل بررسی است.

اولویت‌بندی خرده‌فرهنگ‌های حاکم در شهرک باهنر مشهد

برای اولویت‌بندی شاخص‌های به دست آمده از دکتترین حوزه نظری از آزمون استیبات آماری فریدمن استفاده شده که در ادامه قابل بررسی است:

جدول ۶- اولویت‌بندی مهمترین آسیب‌های فرهنگی شهر مشهد

رتبه	میانگین	مؤلفه
سوم	۱۷.۷۴	ارزشی
دوم	۱۸.۶۱	گرایش‌های گزاره‌ای
چهارم	۱۴.۸۷	نگرشی
اول	۲۲.۵	هنجارهای اجتماعی
Chi-Square=15.557N=13df =12Sig =0.012		نتایج تحلیل استیباتی

با توجه به یافته‌های به دست آمده از جدول اولویت‌بندی فریدمن و سطح معناداری شاخص‌ها با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان ادعا کرد که مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر وضعیت فرهنگی حاکم در شهرک شهید باهنر مشهد به ترتیب مؤلفه‌های اجتماعی، گزاره‌ای، ارزشی و نگرشی‌اند؛ در واقع هنجارهای اجتماعی بیشترین تأثیر و دیدگاه‌های نگرشی، کمترین تأثیر را داشته‌اند. برای آنکه بتوان نقش هر یک از مؤلفه‌ها را بر وضعیت کلی شهرک تحلیل کرد به بررسی تحیل کیفی یافته‌ها پرداخته می‌شود که در ادامه قابل بررسی است:

تحلیل کیفی شاخص‌های اثرگذار بر شهرک شهید باهنر مشهد دیدگاه‌های ارزشی

دیدگاه‌های ارزشی چندان به اصول موجود مربوط نیست بلکه مربوط به اصول آرمانی است؛ یعنی در حقیقت ارزش‌ها، گویای 'احکام اخلاقی' است. 'ژان کازنو' مردم‌شناس فرانسوی می‌نویسد: 'عقاید، هنجارها، شناسائی‌ها، فنون و اشیای مادی که افکار و گرایش‌ها در پیرامون آن شکل گرفته و به تجربه رسیده‌اند، دیدگاه‌های ارزشی یک گروه را تشکیل می‌دهند'.

در اصطلاح جامعه‌شناسی نیز پذیرش ارزش‌ها عبارت از چیزهایی است که موضوع پذیرش همگان است. دیدگاه‌های ارزشی واقعیت‌ها و اموری را تشکیل می‌دهند که مطلوبیت دارند و مورد درخواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه‌اند. در همین رابطه 'اگ برن' و 'نیم کف' می‌نویسند: 'ارزش واقعه یا امری است که مورد اعتنای جامعه قرار دارد. دیدگاه‌های ارزشی، انگیزه و گرایش‌های اجتماعی را تعیین می‌کند و گرایش‌های اجتماعی، تمایلات کلی‌اند که در فرد به وجود می‌آیند و ادراکات، عواطف و افعال او را در جهت‌های معینی به جریان می‌اندازد'.

دیدگاه‌های غالب ارزشی در شهرک باهنر مشهد به‌عنوان پدیده برتری که انکار کردن آن غیرممکن است و به مرور زمان به افراد ساکن و قدیمی تحمیل شده است، که تفاوت

آن را می‌توان در سایر جنبه‌های روابط اجتماعی ملاحظه کرد. درستی، نادرستی، زشت و زیبا، نیک و بد، شرافتمندانه و ننگبار، خاموشی، پرحرفی، خونسردی، شغل، دموکراسی، عشق، صداقت، امانت، شعر، نقاشی، موسیقی و سایر هنرها، آداب و رسوم اعتقادات، دانستنی‌های عامه، ثروت و مالکیت، پول و اموال، خانه و مسکن، مهریه، جهیزیه، شیربهاء، ازدواج کردن، آینه عروس، دزدی کردن، تحصیل کردن و باسواد بودن، مدرک تحصیلی بالا داشتن، جوان و پیر بودن، دختر یا زن بودن، پدر و مادر بودن، سلام و تعارف کردن، محبت کردن، سلامت، تخصص و مهارت داشتن، ایمان و تقوی، نماز خواندن و روزه گرفتن، اعمال نیک و بد انجام دادن، خوب راه رفتن، بد راه رفتن، تو خجالت نمی‌کشی، این کار که تو کردی زشت است و... هرکدام از عبارات بالا در نژادهای مختلف 'ارزشگذاری' شده است.

بنابراین دیدگاه‌های ارزشی شامل همه چیزهای مطلوب یا نامطلوب، مناسب یا نامناسب است که مورد علاقه، توجه و احترام انسان‌ها است. هر چیزی اعم از مادی یا معنوی که در جامعه دارای قدر و قیمت باشد و نیازهای مادی و معنوی انسان را برآورده کند یا هرچیز گرانبها در حیطه دیدگاه‌های ارزشی قرار می‌گیرد. بر این اساس، ارزش‌ها تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و امری یا چیزی وجود ندارد که دارای 'ارزش' نباشد.

ارزش‌هایی که در شهرک باهنر مشهد شکل گرفته است، زیربنای هنجارها، نهادها و ساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهند به طوری که در بعضی از قومیت‌های ساکن چارچوبه‌ای‌اند برای مشروع ساختن رفتارهای انسانی. ارزش‌ها به فرهنگ کلی و جامعه مفهوم و معنا می‌بخشند و وقتی مسأله 'قضاوت ارزشی' یا 'ارزشیابی اجتماعی' مطرح می‌شوند، عملاً مقایسه میان بهتر و بدتر صورت می‌گیرد.

یکی از خصوصیات جالب ارزش‌ها، تقسیم‌بندی آنها بر مبنای قومیت ساکنان است؛ برای نمونه قومیت‌های ساکن در شرق (بلوچ و ...) و غرب (کرد و ..) بر اساس چند ارزش با هم اختلاف داشتند. علاوه بر این باید دانست که ارزش‌ها الزاماً اجتماعی نیستند

بلکه ممکن است 'فردی' هم باشند؛ یعنی ممکن است ارزش‌هایی در جامعه وجود داشته باشد که مورد قبول فرد نباشد و برعکس.

'ارزش فردی' در صورتی که در شرایط لازم به وجود بیاید ممکن است به ارزش اجتماعی بدل شود؛ این حالت به‌ویژه در مواردی مثل فرهنگ ریش‌سفیدی حادث می‌گردد. با توجه به یافته‌های حاصل از این بخش، در مجموع ۱ سند(متن) از مجموع ۵۰ سند (متن) به آسیب‌شناسی اهداف و رویکرد جهان‌بینی طرح‌های توسعه حاشیه پرداخته‌اند.

دیدگاه‌های گرایش گزاره‌ای

حالاتی مانند باور، میل، قصد، ترس، امید و آرزو، هیجان‌خواهی، مسئولیت‌پذیری، لذت‌جویی، دسته‌ای از حالات ذهنی را تشکیل می‌دهند که فیلسوفان مجموعه آنها را (با وجود اختلافاتی که در مورد بعضی از آنها وجود دارد) «گرایش‌های گزاره‌ای» (propositional attitude) می‌نامند. وجه مشترک این حالات آن است که همه آنها محتوای گزاره‌ای دارند؛ یعنی بر یک گزاره دلالت می‌کنند یا به آن تعلق دارند. گرایش‌های گزاره‌ای نقش بسزایی در رفتار و پیش‌بینی‌های فرهنگی مردم ساکن شهرک شهید باهنر مشهد بازی می‌کنند توصیفات، تبیین‌ها و توجیحات فردی بخشی از این واقعیت در بین اقوام مختلف است (برای نمونه، برای پیش‌بینی رفتارهای یک شخص به باورها و امیال او استناد می‌کنیم).

دیدگاه نگرش

نگرش عبارت است از ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیا و گروه‌های مختلف به شیوه مثبت یا منفی نگاه کند. نگرش‌ها ارزیابی از اشیاء را خلاصه می‌کنند و در نتیجه پیش‌بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را بر عهده می‌گیرند. نگرش را می‌توان بر حسب نظریه‌های یادگیری و رویکرد شناختی تعریف کرد. در هریک از این نظریه‌ها مفهوم نگرش به گونه‌ای متفاوت تعریف

می‌شود و هریک از جنبه‌های متفاوت نگرش را مورد تأکید قرار می‌دهد. گوردون آلپورت (۱۹۳۵) نگرش را چنین تعریف کرده است: «نگرش یک حالت آمادگی ذهنی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان می‌یابد و بر واکنش فرد نسبت به تمامی موضوع‌ها و موقعیت‌های وابسته به نگرش تأثیر مستقیم و پویایی بر جای می‌گذارد. از سوی کرچ و کراچفیلد (۱۹۴۸) که عمدتاً دیدگاه شناختی داشتند نگرش را اینگونه تعریف کرده‌اند: «نگرش عبارت است از سازمان پایدار فرایندهای انگیزشی، عاطفی، ادراکی و شناختی در ارتباط با برخی از جنبه‌های دنیای فرد». ملاحظه می‌شود که در این تعریف به خاستگاه نگرش اشاره‌ای نشده و در عوض تجربه‌ی ذهنی زمان حال مورد تأکید قرار گرفته است.

نگرش‌های غالب در شهرک شهید باهنر مشهد

شناختی: مهمترین ویژگی نگرش شناختی در بین قومیت‌ها و ساکنان شهرک شهید باهنر مشهد به بخش شناختی نگرش آنان مانند باورها، افکار و ویژگی‌هایی موضوعی تقسیم می‌شود. از این تفکر نگرشی در بین این ساکنان یا به تفکر مثبت یا به تفکر منفی تقسیم می‌شود.

عاطفی: احساسات یا عواطفی که نسبت به یک موضوع دارید به این بخش از نگرش ما مربوط است. واکنش‌های عاطفی در بین ساکنان به شیوه‌های مختلف، بروز می‌کند. به طور نمونه، بسیاری از ساکنان شهرک شهید باهنر ترس از تخریب خانه دارند؛ بنابراین همین واکنش عاطفی منفی نگرش منفی به سیاست‌های اجرایی هر نهاد مداخله‌گر می‌شود. رفتاری: بخش رفتاری نگرش به رفتارهای گذشته و همچنین تجربیات در مورد یک موضوع مرتبط است. ممکن است افراد نگرش فعلی خود را از رفتار قبلی خود برداشت نموده باشند.

نگرش هریک از ساکنان شهرک شهید باهنر از تجربه‌های شخصی و قومی آنان با توجه به شرایط مختلف پدید می‌آید که تعیین‌کننده دیدگاه فرد به محل زندگی خود

چگونه است و همچنین تعیین‌کننده نوع رفتار فرد به شرایط مختلف است که با مطالعه، کسب آگاهی از وضعیت زندگی تغییر از حالت منفی به مثبت پدیدار می‌شود.

هنجارهای اجتماعی

هنجارهای اجتماعی، رفتارهای معین‌اند که بر اساس ارزش‌های اجتماعی قرار دارند. ارزش‌های اجتماعی به تدریج به صورت هنجارهای اجتماعی در می‌آیند و با رعایت کردن آنها جامعه انتظام پیدا می‌کند.

هنجارهای اجتماعی در شهرک شهید باهنر شیوه‌ای از رفتارهای معینی است که در گروه قومیتی خود متداول است و فرد در جریان زندگی خود آن را می‌آموزد، به کار می‌بندد و نیز انتظار دارد که دیگر افراد گروه یا جامعه آن را انجام دهند مثلاً شیوه حرف زدن با افراد، سلام کردن، احترام کردن، دست دادن جزئی از قواعد و آدابی است که افراد از طریق تعلیم و تربیت فرا می‌گیرند و به کار می‌بندند و افراد دیگر را هم در اجرای این هنجارها تحت کنترل قرار می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده در شهرک باهنر گروه‌های قومی متفاوتی زندگی می‌کنند و مطالعه وضعیت روابط بین قومی در بین ۵ قوم عمده ساکن نشان می‌دهد اگرچه فراوانی روابط همزیستانه (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) بین قومی در نزد همه اقوام بیش از روابط تعارضی است لکن برخلاف تصور رایج، فرستندگی رابطه در نزد اقوام اقلیت مثل بلوچ‌ها، عرب‌ها بیش از گیرندگی رابطه است؛ یعنی در حالی که اقوام اقلیت میل به رابطه با اقوام دیگر دارند، ولی از جانب دیگر اقوام به‌ویژه فارس‌ها پذیرندگی رابطه کم‌رنگ است و این عدم تقارن، موقعیت متفاوتی را برای اقوام در شبکه قومی رقم زده است.

در تحقیق حاضر نشان داده شد پدیده فرهنگ‌های درون‌زا، تحت تأثیر پدیده قوم است؛ همانطور که انتظار می‌رفت، قوم‌مداری منجر به ایجاد پدیده‌های جدید نگرشی

می‌شود که در بلندمدت منجر به ایجاد خرده‌فرهنگ‌های درونزا می‌گردد؛ در واقع این خرده‌فرهنگ‌های درونزا تحت تأثیر نگرش‌هایی‌اند که به رفتار غالب تبدیل شده‌اند؛ رفتار غالب تعارضات بین قومی را تشدید می‌کند. نتایج تحلیل اولویت‌بندی فریدمن نشان داد که ۴ مؤلفه اجتماعی، گزاره‌ای، ارزشی و نگرشی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر وضعیت حاکم فرهنگی شهرک داشته‌اند. براساس دیدگاه‌های فضایی، فضای حاکم بر زندگی افراد یک منطقه یک ساخت اجتماعی است که می‌تواند بر الگوی روابط میان افراد و توزیع نمادها و هنجارهای فرهنگی تأثیرگذار باشد. مسی یکی از نظریه‌پردازان این دیدگاه فضایی را آکنده از روابط اجتماعی قدرت، نماد و شبکه پیچیده‌ای از روابط غالب و مغلوب، همبستگی و همکاری می‌داند. نتیجه غلبه چنین روابطی، نوعی جدایی‌گزینی فضایی است که توسط عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ابقا و تثبیت می‌شود. درباره شیوه زندگی حاشیه‌نشینی شهرک باهنر مبتنی بر نظریه فضایی می‌توان گفت که در شرایط نامناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مزمن فضایی از روابط اجتماعی، فرهنگی در مناطق حاشیه‌نشین خلق کرده است که الگوهای رفتاری چون: سرقت، احساس ناامنی اقتصادی اجتماعی، نگرش نامطلوب نسبت به سازمان‌های خدمات رسان شهری، نگرش منفی به نظم و قانون، احساس جدایی‌گزینی از دیگر مناطق شهری از پیامدهای چنین شیوه زندگی است، که به تدریج در طول زمان به شکل‌گیری نوعی نظام نمادین و خرده‌فرهنگ خاص نشر داده شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان از نوعی خرده‌فرهنگ محله‌های حاشیه‌نشین سخن گفت که براساس این جدایی‌گزینی که منجر به نوعی جدایی بین اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی است، توزیع فضایی رفتارهای انحرافی نیز متمایز می‌شود.

این یافته‌ها با نظریه خرده‌فرهنگی شهرسازی کلود فیشر (۲۰۲۲) همخوانی دارد؛ طبق این نظریه هرچه شهر بزرگتر باشد، تعداد توده‌های بحرانی بیشتر و احتمال وجود خرده فرهنگ‌ها از انواع مختلف بیشتر می‌شود. کلانشهر مشهد، دومین شهر ایران از نظر وسعت و جمعیت است و به دلیل کارکرد خدماتی-مذهبی آن جاذب جمعیت بسیاری از اقلیت‌های شهری از اطراف و اکناف شده است. طبق نظریه فیشر بسیاری از انواع مختلف خرده‌فرهنگ‌ها در شهرها شکوفا می‌شوند و رشد می‌کنند. این خرده‌فرهنگ‌ها را

می‌توان در اقلیت‌های مختلفی همچون بلوچ‌ها و عرب‌ها به شدت بسیار بیشتری در شهر مشهود مشاهده کرد. این خرده‌فرهنگ‌ها، در قالب شبکه‌های حمایتی، مثل محلات (برای نمونه محله بلوچ‌ها، محله عرب‌ها) مشاهده کرد که مصداق آنها را می‌توان در مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی مشاهده کرد. از آنجا که بسیاری از آن خرده‌فرهنگ‌ها از دیدگاه بافت هنجاری گسترده‌تر این شهر به چیزهای غیرمتعارف یا غیرقابل قبولی معطوف شده، ساکنان احتمالاً نرخ‌های افزایش یافته‌ای از رفتار انحرافی را از خود نشان می‌دهند؛ در نتیجه، هرچه شهرک بزرگتر باشد (مثل شهرک باهنر)، میزان سوء رفتار از جمله رفتار مجرمانه بیشتر می‌شود؛ از این رو، به روشی نسبتاً سراسر، نظریه خرده‌فرهنگی نیز بر ارتباطی بین تغییرات جمعیت و نرخ جرم دلالت دارد. با افزایش اندازه یک جمعیت، جرم بحرانی برای هر علاقه تخصصی معین نیز افزایش می‌یابد، همانطور که توده‌های بحرانی برای تعداد بیشتر و انواع علایق بیشتر می‌شوند؛ بنابراین، جمعیت در حال رشد شانس بیشتری برای توسعه خرده‌فرهنگ‌های جنایی و همچنین شانس افزایش تنوع بیشتر در انواع خرده‌فرهنگ‌ها، به‌ویژه خرده‌فرهنگ‌های غیرمعمول، خواهند داشت. خرده‌فرهنگ‌های شهری ممکن است نوآوری و انتشار ایده‌های جدید و همچنین ترویج غیر متعارف یا رفتار غیرقابل قبول را تسهیل کنند؛ بنابراین آنها همچنین به تمایز شهرها به عنوان مکان‌های الهام‌بخش برای تغییرات فرهنگی کمک می‌کنند.

نتایج این مطالعه با تحقیقات پروین و درویشی فرد (۱۳۹۴) و حسن المولحی (۲۰۲۰) قرابت معنایی دارد

یافته‌های هر دو تحقیق نشان داد که شهرک‌های حاشیه‌نشین دارای «خرده‌فرهنگ خاصی» اند که زمینه را برای انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی فراهم کرده است. فرآیندهای غیررسمی شهری به شدت تحت تأثیر و شکل‌گیری ساکنان است تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی و فضای کالبدی شهری در طول زمان با یکدیگر تعامل دارند و منجر به توسعه خرده‌فرهنگ‌ها ساکنان در فضای شهری و در نتیجه غیر رسمی بودن فازهای توسعه بعدی می‌گردد.

پیشنهادها

راهکارهایی که در اینجا ارائه می‌شود ناظر به برنامه‌های کوتاه‌مدت و مقطعی است که می‌تواند از گسترش دامنه آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی، ناشی از حاشیه‌نشینی تا حدودی جلوگیری کند اما منجر به ریشه کن شدن این آسیب‌ها نخواهد شد.

۱ - توانمندسازی همه‌جانبه حاشیه‌نشینان با رویکرد مشارکت محله‌ای وجود نیازهای مشترک و عمیق در بین حاشیه‌نشینان می‌تواند عامل درونی قوی‌ای برای مشارکت در پروژه‌ها و برنامه‌های مختلف شهری باشد.

تقویت دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی در نقاط حاشیه نشین به‌خصوص در بین نوجوانان و جوانان.

۲ - تقویت و گسترش ارتباط بین ساکنان حاشیه‌نشین و مسئولین سازمان‌های شهری برای تقویت نگرش مثبت در آنان نسبت به سازمان‌های شهری

۳- ارائه یک برنامه جامع فرهنگی منتج از دیدگاه‌های ارزشی، نگرشی، اجتماعی و گزاره‌ای در بین قومیت‌های مختلف.

منابع

اسکندری، حسین. (۱۳۸۳). بررسی اسنادی خرده‌فرهنگ‌های جوانان در شهر تهران، تهران: سازمان ملی جوانان

ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۷). چشم‌انداز سکونتگاه‌های غیر رسمی در ناپایداری شهری، پایان‌نامه دکتري. شهید بهشتی

بهمنی، سجاد؛ همتی، رضا؛ ملتفت، حسین و ایزدی، اصغر. (۱۳۹۷). مرور نظام‌مند مطالعات انجام شده در زمینه حاشیه‌نشینی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی،

سال هجدهم، زمستان ۹۷، شماره ۷۱

بابایی، جواد؛ هنری، فرناز؛ سوقندی، مریم و محمدیان مقدم، شهرزاد. (۱۳۹۴). بررسی پیامدهای حاشیه‌نشینی بر نظام فرهنگی مشهد

براتی، حانیه و قرایی، مهدیه و عاکف، مهدیه. (۱۳۹۵). بررسی مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی در مشهد، اولین کنفرانس بین‌المللی کاربرد پژوهش و تحقیق در علوم و مهندسی، تهران

پروین، ستار و درویشی فرد علی اصغر. (۱۳۹۴). خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعه موردی: محله هرندی)

رفیعی، امیر تیمور. (۱۳۹۶). سیری در اوضاع اقتصادی خراسان بزرگ در عهد تیموری، نشریه تاریخ، دوره ۲، شماره ۶، صص ۸۴-۶۱

سهرابی، فاطمه و بسطامی، اصغر. (۱۳۹۲). حاشیه‌نشینی و خرده‌فرهنگ‌های شهری حاشیه‌نشینی در سندج همایش ملی مدیریت یکپارچه شهری و نقش آن در توسعه پایدار شهری عیسی زاده، ابراهیم، شیرانی، فرهاد و زارع، محمد. (۱۳۸۹). جهانی شدن و تأثیرات آن بر شهرهای جهان اسلام موردشناسی: کلانشهر مذهبی مشهد، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام

عیسی زاده، کوثر. (۱۳۹۵). تحلیل شناخت تأثیر فرهنگ بر کالبد و طراحی شهرها با تأکید بر نظریه‌های فرهنگی طراحی مجتمع‌های زیستی، مجله مدیریت شهری، شماره ۴۶ صص ۷۱-۹۶

فرانک، سید و بیرقی، محمدرحیم، بررسی تطبیقی روابط اجتماعی سبک زندگی دینی و سبک زندگی مدرن با تأکید بر جامعه ایران، نشریه پژوهش دینی، زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲۵، صص ۶۴-۳۵

فصلنامه برنامه ریزی و رفاه توسعه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۳ - شماره پیاپی ۲۳ مرداد ۱۳۹۴ صفحه ۵۱-۸۹

گیلبرت، آلن. (۱۳۹۶). شهرها، فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم، انتشارات تهران مجدفر، فاطمه ؛ ۱۳۸۴ - علل انحراف جوانان - نامه فرهنگ بهار، شماره ۵۵، چهارمین همایش ملی معماری، شهرسازی و پژوهش‌های نیازمحور با محوریت تحولات نوین و پژوهش‌های کاربردی

مشتاق، ازاده. (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل اسکان غیر رسمی در منطقه ۶ شهرداری مشهد با رویکرد توانمندسازی اجتماع‌محور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه فردوسی

- مشهد - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی - ۱۳۹۲ - [کارشناسی ارشد]
مهندسان مشاور اساس شرق مشهد، ۱۳۹۲
- نیمروزی، نوروز. (۱۳۸۵). بررسی پیامدهای حاشیه‌نشینی بر نظام فرهنگی مشهد، کنفرانس ملی برنامه‌ریزی مدیریت شهری مشهد دوره اول
- یعقوب پور، شب‌نم و محرم، شکرانه. (۱۳۹۸). بررسی چالش‌های فرهنگ شهرنشینی و حاشیه‌نشینی در شهر اردبیل. دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی - ۱۳۹۸
- Albert Bandura (1971). "Social Learning Theory" (PDF). General Learning Corporation. Archived from the original (PDF)
- Van Horen, Basil (2014) "Community Upgrading and Institutional Capacity Building to Benefit the Urban Poor in Asia" New Delhi: India, India Habitat Centre Volume 19, Issue 1. 1995. 53-60
- Clary, M, R., (2008). The entrepreneurialiaicity, University of Nevada, Lasvegas, Public administration Review , 305pp
- Downer Alexander (2020) Good Governance (Guiding principles implementation) , Australia, Canberra Mailing Centre
- Hassan el- Mouelhi(2020) Culture and Informal Urban Development: The Case of Cairo's 'Ashwa'eyat (informal Settlements) Publisher Köster, 2014 ISBN 3895748544, 9783895748547 Length 323
- Jacob Lutta, Yves Schoonjans, Aldo Lupala (2021) The Complexity of Social and Cultural Dynamics in Emerging of Collective Spaces in Unplanned Urbanisation: Learning from Mlalakuwa-Dar es Salaam Current Urban Studies, 2021, 9, 445-463
- PeterKellett ,AnnGarnham(2000) The role of culture and gender in mediating the impact of official interventions in informal settlements: A study from Colombia Habitat International
- Tasan-kok: T-entrepreneurial Governance (2020) challenges of large-scale property-led urban regeneration projects, Tijdschrift Voor economische en sociale geografie ,Pub,Blackwell ,vol,101,No2,pp.126-149.
- Wekesa, B (2012) A review of physical and socio-economic characteristics and intervention approaches of informal settlement Habitat International, Vol. 35, Issue 2, 238-245p.